اللهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ»: «یا الله، از خشمت به خشنودی‌ات و از مجازاتت به بخششت پناه می‌آورم و از تو به خودت پناه می‌آورم. مرا توان و یارای آن نیست که به ثنای تو [چنانکه شایسته است] بپردازم، تو چنان هستی که خود را ستایش نموده‌ای

از ام المؤمنین عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که گفت: شبی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در بستر نیافتم، پس در جستجوی او برآمدم که دستم کف پاهای ایشان را لمس کرد که در محل نمازش بود و پاهایش [در حال سجده] منصوب بود و می‌فرمود: «اللهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ»: «یا الله، از خشمت به خشنودی‌ات و از مجازاتت به بخششت پناه می‌آورم و از تو به خودت پناه می‌آورم. مرا توان و یارای آن نیست که به ثنای تو [چنانکه شایسته است] بپردازم، تو چنان هستی که خود را ستایش نموده‌ای».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

عایشه رضی‌الله‌عنها می‌فرماید: من کنار رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم خوابیده بودم، پس شب ایشان را نیافتم و با دستم محلی را جستجو کردم که ایشان در حجره نماز می‌خواند و ایشان را در حال سجده یافتم که می‌فرمود: «پناه می‌آورم» و توسل می‌جویم «به خشنودی‌ات از خشمت» بر من یا بر امتم؛ و پناه می‌آورم «به عفو و بخشش» و گذشت بسیارت «از مجازاتت»، «و از تو به خودت پناه می‌آورم» و به صفات جمال از صفات جلالت، زیرا از تو نمی‌توان پناه جست مگر به خودت؛ زیرا نجات و پناهی از الله نیست مگر به سوی خودش؛ «نمی‌توانم ثنای تو را در شمار آورم» نمی‌توانم ستایش تو را به‌جا آورم و بشمارم و زیرا از شمارش نعمت‌ها و نیکی‌های تو چنانکه شایسته‌اش هستی ناتوانم، حتی اگر همهٔ تلاشم را به کار ببرم؛ «تو چنان هستی که خود ثنای خود را گفته‌ای» زیرا تویی که به شکل شایسته ثنای خود را گفته‌ای، پس چه کسی می‌تواند حق ثنای تو را ادا کند؟!

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3566